**ویژگی ها و شاخص های آثار علمی استاد کمالی دزفولی**

**بهرام محمدیان، محیی الدین**

[1]

شخصیت علمی استاد سید علی کمالی دزفولی را چگونه‏ تحلیل می‏کنید؟

آنچه از آثار به جا مانده از مرحوم آقای کمالی دزفولی‏ می‏توان دریافت کرد،آن است که جناب ایشان علاقه‏مند به‏ قرآن و دانش‏ها و علوم مرتبط به آن بوده‏اند.دنبال مباحث‏ و مسایلی بوده‏اند که بتوان با تکیه بر قرآن و علوم قرآنی‏ آنها را مطرح و توسعه داد یا آن مسائل را حل کرد؛لذا اگر برای آثار علمی ایشان فهرستی تنظیم کنیم،آنچه در آن‏ فهرست نمود و ظهور بیشتری خواهد داشت،واژه قرآن خواهد بود که به وصف یا قید و اضافه‏ای آمده است.

از جمله:«قرآن و مبارزات»،«قرآن و جامعه‏شناسی»،«قرآن‏ و جامعه»،«قرآن ثقل اکبر»،«شناخت قرآن»و...

نکته دیگری که در بررسی شخصیت علمی مرحوم استاد کمالی به چشم می‏خورد این که وی به جمع و گردآوری‏ دانش دیگران بسیار اهتمام داشته است.در مطالعات خویش، از خرمن دانش و اندیشه بزرگان و علما خوشه‏چینی یمی‏نمود؛ البته و صدابته که در این دستچینی،دقت تمام داشت تا زیباترین و پرفایده‏ها را بچیند.مشهور است که ایشان‏ مجموعه‏ای به نام«خردافزا»دارند که این مجموعه شامل‏ یادداشت‏های متنوع ایشان در موضوعات مختلف است.

نهایتا شخصیت علمی ایشان را می‏توان در دو مقطع جستجو کرد:یک-مقطع جوانی که بیشتر اهل تبلیغ و ترویج احکام‏ و معارف دینی است و خطابه‏های پرشوری دارد و عمده آنها در رد و طرد اندیشه‏های انحرافی و جریان‏های دین ستیز همانند جریان کسر وی است و دوره دیگر تلاش علمی ایشان‏ بعد از یک دوره نسبتا طولانی فترت علمی در حوزه تألیف‏ و تحقیق علوم قرآنی است.اما با آنکه نزدیک به سه دهه این‏ فترت و سکون و رکود علمی در زندگی ایشان به جهت‏ فعالیت‏های تقریبا سیاسی-اجتماعی ادامه داشته و مسایلی‏ از قبیل کاندیداتوری ایشان برای مجلس چهاردهم از طرف‏ حزب زحمتکشان در همین دوره اتفاق اتفاد؛و باز هم یادآور باشیم که کتاب جنایات دو ساله دکتر بقایی در دزفول،گزارش‏ تلخی است از ماجراهای سیاسی آن دوره و شاید بتوان آن‏ را نیز جبراننامه آن سه دهه رکود علمی و گرایش به‏ فعالیت‏های سیاسی آن روزگار نامید؛ولی با همه اینها دست‏ الهی و مدد خداوندگاری با ایشان همراه بود که در آستانه‏ دهه ششم عمر خویش قلم به دست گرفت و با تلاشی مجدد و خستگی‏ناپذیر در خدمت قرآن و معارف قرآنی برآمد و آثاری‏ پدید آورد که قابل استفاده برای جامعه علمی است.

ایشان در حوزه عولم قرآنی به چه مباحثی پرداخته‏اند و کدام یک از آثار ایشان را برای جامعه علمی-دینی امروز، کاربرد بیشتری دارد؟

البته بنده به تمام آثار مرحوم استاد کمالی احاطه و اشراف‏ ندارم،ولی آنچه از اثار ایشان را دیده‏ام می‏توان گفت در حوزه قرآن،ایشان هم به علوم قرآنی پرداخته و هم معارف‏ قرانی را مورد توجه قرار داده است.

در بخش معارف قرآنی می‏توان به کتاب‏هایی همانند«قرآن‏ و مبارزات»اشاره کرد که ترجمه و تفسیر آیاتی است که به‏ جهاد و مبارزه با دشمنان داخلی و خارجی مربوط است؛یا کتاب«قرآن و جامعه‏شناسی»ترجمه و تفسیر آیات اجتماعی‏ قرآن است که بیشتر به علل و عوامل پیروزی‏ها و شکست‏های‏ جوامع پرداخته است که شاید بتوان گفت ایشان به گونه‏ای‏ درصدد یافتن یک فلسفه اجتماعی از آیات بوده است؛چرا که‏ همین تلاش در کتاب دیگر ایشان(قرآن و دستورات اجتماعی) پی‏گیری شده است و انتخاب عناوین همانند سیاست تهذیب‏ اخلاقی،تدبیر منزل و سیاست مدن-که در حوزه حکمت‏ علمی مطرح است-این ظن را تقویت می‏کند.

این نکته را یادآور شوم که گاه شمار زندگی علمی و تبلیغی‏ ایشان نشان می‏دهد که روحیه اجتماعی در آن مرحوم قوی‏ بوده و اصلاح امور اجتماعی به نوعی دغدغه باطنی ایشان‏ بوده و گرایش ایشان به نوعی فعالیت‏های اجتماعی و سیاسی‏ بعد از دهه بیست-که استبداد پهلوی اول پایان پذیرفته و کشور بعد از جنگ بین‏الملل میدان تاخت و تاز حرکت‏ها و گروههای سیاسی و فکری وابسته بوده-حاکی از این‏ روحیه و احساس مسؤولیت درباره جامعه مسلمانان بوده‏ که بازتاب این احساس و درک در برخی از آثار به چشم‏ می‏خورد.

اما در بخش علوم قرآنی می‏توان به کتاب«قانون تفسیر» -که ظاهرا اولین کتاب ایشان در این موضوع است و به نظر من در بین کتاب‏هایی که از ایشان دیده‏ام،جامع‏ترین نیز هست-اشاره کرد.بعد از قانون،«تاریخ تفسیر»و«قرآن‏ ثقل اکبر»و«قبسات القرآن»را می‏توان از جمله این کتاب‏ها برشمرد.

از«بانون تفسیر»نام بردید؛این کتاب شامل چه‏ موضوعاتی است و تدوین آن چگونه است؟

قانون تفسیر ظاهرا اولین کتاب تألیفی ایشان است که باید در پدید آمدن این کتاب شریف به نفش دو تن از بزرگان‏ اشاره کرد و آنان را بر این اقدام ستود:یکی از آنها مرحوم‏ آیة الله آقا شیخ محمد کاظم معزی است؛اقای معزی دزفولی، که مترجم قرآن نیز هستند و بنده از ترجمه قرآن ایشان در دوره طلبگی بسیار استاده کرده‏ام؛ایشان آقای کمالی را کشف کردند و به تعبیری،ایشان را وادار کردند که آن دوره‏ فترت و رکود علمی را کنار بگذارند و وارد حوزه تدریس و تألیف شوند که خود،حکایتی شنیدنی دارد که از مرحوم آقا سید کاظم صدر السادات،مدیر انتشارات«صدر»نقل است و همین«قانون تفسیر»را نیز ایشان منتشر کرده‏اند؛دیگری‏ آیة الله سید اسد الله نبوی بودند که از ایشان می‏خواهند نوشته‏ خود را برای ایشان بخوانند و به دنبال آن،از ایشان می‏خواهند که کتاب منتشر شود و آن موقع مبلغی را نیز برای انتشار کتاب به ایشان تقدیم می‏کنند و من چاپ اول کتاب«قانون‏ تفسیر»را در سال 1354 دیده‏ام که اتفاق افتاده است(یعنی‏ حدود 60 سالگی مرحوم آقای کمالی دزفولی).

این کتاب،حاوی یک مقدمه مفصل و پرمطلب درباره مسائل‏ قرآنی است و همین مقدمه نیز متأثر از روحیه اجتماعی و پردغدغه او برای اصلاح اجتماعی است.به عنوان مثال،پیش‏ گفتار کتاب با این جمله آغاز می‏شود.«روزی که بشر از حکومت شمشیر ناامید شود به حکومت کتاب پناه خواهد برد، هرچند هزاران سال دیگر با آن روز فاصله باشد».

...در ادامه مطلب،در پاراگرافی دیگر می‏نویسد:«برای‏ جاهلانی که دهر بشریت را با عمر کوتاه خود و دولت‏های‏ نوبتی می‏پیمایند،قبول این مطلب دشوار است،اما برای‏ عالمانی که از درنگ میلیون سالی آفرینش برای تکامل و تبدیل‏ زغال سنگ به الماس آگاند،قبول آن آسان و قطعی است».

جاهلانی که خودهمیشه مایه ادامه حکومت شمشیر بود و خود بار سنگین آن را بر دوش داشته‏اند،چون برف در زیر آفتاب تکامل ذوب شد و روزی که در ترازوی بشریت کفه‏ آنان سبک‏تر شده،عهد شمشیر سپری شده و عهد کتاب فرا رسیده است».

این جملات و کلمات در حدود سال‏های 48 تا 54 نوشته‏ است،این دوره،دوره اختناق است و موضوع کتاب علوم‏ قرآنی است،اما آن روح اجتماعی،زاویه نگاه را معطوف به‏ اصلاح اجتماعی کرده است.

در این مقدمه،به موضوعاتی همچون تعریف علم،تعریف‏ قرآن،تاریخ پیدایش علوم قرآنی،تعریف تفسیر و تأویل‏ می‏پردازد که این بخش را بخش تعریفات نام نهاده‏اند.

قابل فهم بودن قران،یکی از مباحث بسیار جالب این کتاب‏ است که به دو یف از نظریه:عدم فهم قرآن توسط مردم‏ و فهم آن به مجرد دانستن زبان عربی می‏پردازد و رد هردو برداشت را به شواهد عقلی و نقلی و قرآنی اثبات می‏کند.

مباحثی همانند مصونیت قرآن از تحریف،جمع قرآن،قرائات، تفسیر،ظهر و بطن،تفسیر به رأی و محکم و متشابه مصادر تفسیر،شرایط تفسیر در دوازده فصل و یک ملحق در این‏ کتاب مطرح شده‏اند.

یکی از نکاتب که ایشان در بحث قرائات مطرح می‏کنند،این‏ است که جواز اختلاف قرائات در حال حاضر مردود است و به قرائت واحد عاصم تأکید می‏کند.ویژگی دیگر مباحث ایشان، نگاه جامع و منصفانه در نقل و نقد است.

کتاب دیگر ایشان«تاریخ تفسیر»است.به عبارتی این کتاب، جلد دوم«قانون تفسیر»است و در آن به روش‏های تفسیر و سیر تفسیر نگاری اشاره شده است.در تاریخ تفسیر به‏ روش و آرای تفسیری فرق و مذاهب اسلامی،همچون: معتزله،اشاعره،باطنیه،زیدیه،صوفیه و...پرداخته و در نهایت،به معرفی نمونه‏هایی از تفاسیر مهم در میان شیعه‏ و اهل سنت و مقایسه موضوع در این تفاسیر همت گماشته‏اند که با تطبیق این مباحث،می‏توان به سبک و روش و اتقان‏ علمی هرکدام پی برد.